

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۲/۰۱

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش‌های مهدوی

سال پنجم، شماره ۲۰، بهار ۱۳۹۶

مقاله فتنه‌های عصر ظهور و در آستانه آن

رسول نادری^۱

مهدی سلطان احمدی^۲

چکیده

طبق روایات فتنه‌هایی در عصر نزدیک به ظهور و در آستانه ظهور وجود دارد که یا از مدتی قبل شکل گرفته‌اند و تا زمان ظهور امتداد دارند یا آغاز شکل‌گیری آنها در آستانه ظهور است. مهم‌ترین این فتنه‌ها، فتنه اعتقادی، فتنه دجال، فتنه اختلاف در شیعه، فتنه سفیانی و فتنه صیحه شیطانی است. دانستن این فتنه‌ها کمک می‌نماید تا با آگاهی از آنها بتوان از گزند آنها کمتر آسیب دید. در این مقاله با استفاده از روایات به این فتنه‌ها و ویژگی‌های هر یک پرداخته می‌شود.

واژگان کلیدی

فتنه، ظهور، اعتقاد، دجال، اختلاف، صیحه شیطانی، سفیانی.

۱. محقق پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم (نویسنده مسئول) (rslnaderi@gmail.com).

۲. مدرس دانشگاه.

مقدمه

فتنه‌ها و ابتلائات آخرالزمانی متعدد و متنوعی در روایات مورد اشاره قرار گرفته‌اند که برخی از آنها مربوط به آستانه ظهور و برخی عصر ظهور هستند. بررسی و شناخت این فتنه‌ها باعث می‌شود که با نگاهی روشن و آگاهانه از این وقایع مواجه شویم و در دام این فتنه‌ها گرفتار نشویم، علاوه بر این که می‌توان دیگران را نیز آگاه نمود تا به طور کلی جامعه شیعی با آمادگی در مقابله با این فتنه‌ها، کمترین آسیب‌ها را متحمل شود. البته در شکل‌گیری برخی از این فتنه‌ها؛ مانند فتنه سفیانی اختیار شیعیان نقشی ندارد اما در همه موارد در صورت آگاهی می‌توان، به گونه‌ای با آنها مواجه شد که کمترین آسیب را وارد کنند. روش پژوهش در این مقاله براساس بررسی روایات و به صورت کتابخانه‌ای است. لازم به ذکر است در این مورد تاکنون مقاله مستقلی نوشته نشده است و تنها در لابه لای برخی از مقالات به این مسئله پرداخته شده است.

به طور کلی براساس فتنه‌ها به دسته عام و خاص تقسیم می‌شوند. منظور از فتنه‌های عام آن دسته از فتنه‌هاست که طبق روایات در دوران غیبت شکل می‌گیرد و تا زمان ظهور ادامه داده می‌یابد و فتنه‌های خاص آن دسته از فتنه‌هاست که در آستانه ظهور شکل می‌گیرند و بعد از ظهور ادامه دارند.

فتنه‌های عام

در روایات به سه دسته فتنه عام اشاره شده است؛ فتنه اعتقادی، فتنه دجال و فتنه اختلاف شیعیان که در ادامه این روایات بررسی می‌شود؛

۱. فتنه اعتقادی

مراد از فتنه اعتقادی آن دسته از فتنه‌ها و ابتلائات است که به نوعی باعث تضعیف ایمان مؤمنین و حتی تغییرات مکرر از حالت ایمان به کفر و بالعکس می‌شود و تا زمان ظهور حضرت حجت ادامه می‌یابد. پس مبنای نامگذاری این قسم از فتنه‌ها، نامگذاری بر اساس نتیجه است.

روایاتی از طریق منابع شیعی نقل شده است که می‌توان همین نوع فتنه را از آن برداشت نمود. این روایات بیشتر به فتنه‌ها و ابتلائاتی اشاره دارد که باعث پاک شدن و جداسدن دین‌داران واقعی از غیر آنها می‌شود. این روایات آنقدر اهمیت دارد که در کتاب شریف کافی در

ضمن «کتاب الحجّه» بابی با عنوان «باب التمهیص و الامتحان» به خود اختصاص داده است و مرحوم کلینی شش روایت در این باره بیان نموده است. نعمانی نیز باب مستقلی به این امر اختصاص داده و در آن بیست روایت در این باره بیان نموده است. شیخ طوسی نیز حدود ده روایت در این باره بیان نموده است. این اهتمام نشان از توجه ویژه ائمه به این مطلب دارد و این که ایشان با بیان روایات متعدد و سفارش به اصحاب برای نشر این روایات قصد داشته‌اند شیعیان را از ظهور فتنه‌های مختلف اعتقادی مطلع نمایند، فتنه‌هایی که گریبان‌گیر همه آنها می‌شود و هیچ‌کس چه ایمان قوی داشته باشد و چه ضعیف از آنها در امان نخواهد بود تا شیعیان با آمادگی و آگاهی با این فتنه‌ها برخورد نمایند. در ادامه چند مورد از این روایات بیان می‌شود:

أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ حَدَّثَنَا عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ مُوسَى قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي أَحْمَدَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هِلَالٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عليه السلام جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا تَأْتِي عَلَى هَذَا الْأَمْرِ وَقَدْ بَلَغْتُ مِنَ السِّنِينَ مَا قَدْ تَرَى أُمُوتٌ وَلَا تُخْبِرُنِي بِشَيْءٍ فَقَالَ يَا أَبَا إِسْحَاقَ أَنْتَ تَعْجَلُ فَقُلْتُ إِي وَاللَّهِ أَعْجَلُ وَمَا لِي لَا أَعْجَلُ وَقَدْ كَبِرْتَنِي وَبَلَغْتُ أَنَا مِنَ السِّنِّ مَا قَدْ تَرَى فَقَالَ أَمَا وَاللَّهِ يَا أَبَا إِسْحَاقَ مَا يَكُونُ ذَلِكَ حَتَّى تُمَيِّزُوا وَتُمَحَّصُوا وَحَتَّى لَا يَبْقَى مِنْكُمْ إِلَّا الْأَقْلُ ثُمَّ صَعَرَ كَفَّهُ (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۰۸)؛

ابراهیم بن هلال گفت: به امام رضا علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم پدرم به انتظار این کار مرد، و من نیز بسنی رسیده‌ام که می‌بینی، بمیرم و از چیزی خبرم ندهی؟ فرمود: ای ابا اسحاق، تو نیز شتاب می‌کنی؟ عرض کردم: آری به خدا قسم شتابزده هستم و چرا نباشم و می‌بینی که سنم به کجا رسیده است. فرمود: به خدا قسم ای ابو اسحاق این کار نمی‌شود تا آن‌که تمیز یابید و پاک شوید و تا آن‌که نماند از شما مگر اندکی سپس کف دست خود را (به علامت زیر و رو شدن) برگرداند. (فهری، ۱۳۶۲: ۲۴۵)

تعبیر «مَا تَأْتِي عَلَى هَذَا الْأَمْرِ...» اشاره به امر ظهور دارد. سؤال امام «أَنْتَ تَعْجَلُ» هم قرینه بر این است که ابراهیم بن هلال منتظر ظهور بوده است و نگران این بوده است که عمرش تمام شود و ظهور را درک نکند. امام در جواب او به فتنه‌هایی که باعث پاک شدن و جدا شدن شیعیان می‌شود، اشاره می‌کند و با تعبیر «حَتَّى لَا يَبْقَى مِنْكُمْ إِلَّا الْأَقْلُ» به غایت این امر اشاره می‌کند و گویا نظر ایشان این است که به ابا اسحاق بفهماند هرگاه این فتنه‌ها شکل گرفت و در نهایت عده کمی ایمان‌شان حفظ شد، ظهور محقق می‌شود. پس تحقق ظهور متوقف بر بروز این فتنه‌هاست. بنابراین این روایت فتنه‌های عام که در زمان غیبت شکل می‌گیرد و تا زمان

ظهور ادامه می‌یابد، بیان می‌کند.

رُوی عَنْ جَابِرِ الْجُعْفِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام مَتَى يَكُونُ فَرَجُكُمْ فَقَالَ هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ لَا يَكُونُ فَرَجُنَا حَتَّى تُغْرِبُوا ثُمَّ تُغْرِبُوا ثُمَّ تُغْرِبُوا يَقُولُهَا ثَلَاثًا حَتَّى يُذْهَبَ [اللَّهُ تَعَالَى] الْكَدِرُ وَيُبْقَى الصَّفْوُ (طوسی، ۱۴۲۵: ۳۳۹)؛

جابر جعفی گفته است: به محضر مبارک امام باقر عليه السلام عرض کردم: فرج شما اهل بیت علیهم السلام چه زمانی خواهد بود؟ حضرت فرمودند: هیهات، هیهات! فرج واقع نخواهد شد؛ مگر بعد از آن که شما غربال شوید، بعد [دوباره] غربال شوید، بعد [بار سوم] غربال شوید - این جمله را سه مرتبه تکرار کردند - تا این که خداوند کدورت‌ها را از بین برده، صفا و پاکی باقی بماند. (عزیزی، ۱۳۸۷: ۵۹۱)

در این روایت تصریح شده است که فرج محقق نمی‌شود مگر این که غربال انجام شود و ناخالصی‌ها از بین برود. از این روایت نیز این نکته به دست می‌آید که در زمان غیبت فتنه‌هایی بر شیعیان وارد می‌شود که باعث غربال شدن آنها می‌شود و پس از این که مؤمنان واقعی باقی ماندند، فرج محقق می‌شود؛ یعنی تحقق فرج متوقف بر بروز این فتنه‌ها و باقی ماندن پاکان واقعی است.

وَ أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ حَدَّثَنَا عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ مُوسَى قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى قَالَ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام وَاللَّهِ لَا يَكُونُ مَا تَمْتَدُّونَ إِلَيْهِ أَعْيُنَكُمْ حَتَّى تُنْحَصُوا وَ تُمَيِّزُوا وَ حَتَّى لَا يَبْقَى مِنْكُمْ إِلَّا الْأَنْدَرُ فَإِلَّا أَنْدَرُ (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۰۸)؛

امام رضا عليه السلام فرمود: به خدا قسم آن چه که چشم به راه آن دارید انجام نپذیرد تا آن که پاک شوید و تمیز یابید و تا آن که نماند از شما مگر کمتر و باز کمتر (فهری، ۱۳۶۲: ۲۴۵).

تعبیر «لَا يَكُونُ مَا تَمْتَدُّونَ إِلَيْهِ أَعْيُنَكُمْ» اشاره به ظهور دارد و همان توضیحات مربوط به دو روایت قبلی از این روایت نیز قابل برداشت است.

روایات دیگری نیز وجود دارد که در آنها نامی از ظهور نیامده، اما به تمحیص و تغییرات مکرر در دین اشاره نموده است. با توجه به وحدت مضمونی این روایات با روایات پیش‌گفته می‌توان آنها را نیز در زمره روایات این بخش در نظر گرفت. در ادامه یک مورد از این روایات بیان می‌شود.

وَ أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ أَخْبَرَنَا عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ مُوسَى الْعَلَوِيُّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيْسَى عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَمْرٍو الْيَمَانِيِّ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: لَتُمَحَّصَنَّ يَا شَيْعَةَ آلِ مُحَمَّدٍ تَمْحِصُ الْكُخْلَ فِي الْعَيْنِ وَإِنَّ صَاحِبَ الْعَيْنِ يَدْرِي

مَتَى يَقَعَ الْكُخْلُ فِي عَيْنِهِ وَلَا يَعْلَمُ مَتَى يَخْرُجُ مِنْهَا وَكَذَلِكَ يُضْبِحُ الرَّجُلُ عَلَى شَرِيعَةٍ مِنْ أَمْرِنَا وَيُسَبِّحُ - وَقَدْ خَرَجَ مِنْهَا وَيُسَبِّحُ - عَلَى شَرِيعَةٍ مِنْ أَمْرِنَا وَيُضْبِحُ وَقَدْ خَرَجَ مِنْهَا (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۰۶ و ۲۰۷)؛

امام باقر علیه السلام فرمود: ای شیعه آل محمد حتما باید پاک شوید همچون سرمه که در چشم پاک می شود که آدمی داخل شدن سرمه را بچشمش می فهمد ولی نمی فهمد کی از چشم او بیرون می رود و این چنین خواهد شد که مردی صبح کند در حالی که بر جاژه امامت ما است و شب می کند در حالی که از راه بدر شده است و شب می کند در حالی که بر جاژه امر ما است و صبح می کند در حالی که از راه بدر شده است. (فهری، ۱۳۶۲: ۲۴۳)

از مثال سرمه و این که انسان نمی فهمد که از چشم بیرون می آید، به دست می آید که این فتنه ها ویژگی خاصی دارند به گونه ای که گمراه کنندگی آنها روشن نیست حتی برای اهل ایمان و شیطان به گونه ای این فتنه ها را می آراید که بسیاری از شیعیان بدون این که متوجه شوند ایمان خود را از دست می دهند.

مجموع این روایات نشان می دهد که تا قبل از ظهور حضرت حجت، فتنه های اعتقادی فراوانی به شیعه می رسد که باعث می شود بسیاری از اعتقادات خود برگردند، البته برخی مجدداً حالت ایمانی خود را بازمی یابند، اما بسیاری بر همان حالت می مانند تا ظهور محقق شود. پس این فتنه ها مربوط به عصر غیبت هستند اما تا عصر ظهور ادامه می یابند. بزرگانی همچون نعمانی همه این روایات را ذیل باب تمحیص شیعه بیان نموده و کلینی نیز این روایات را در بابی بعد از باب عدم جواز توقیت آورده است که نشان می دهد، آنها نیز همه این روایات را هرچند در برخی تصریح به ظرف زمانی آنها نشده مربوط به دوران غیبت تا ظهور می دانسته اند.

۲. فتنه دجال

منابع اولیه روایات شیعی به صورت مختصر به دجال اشاره نموده اند، در حالی که این بحث بخش عمده ای از روایات آخرالزمانی در منابع اهل سنت را به خود اختصاص داده است. در روایات شیعی تا آنجا که نگارنده جستجو نمود، واژه فتنه در کنار نام دجال بیان نشده است. فقط در کتاب *ثواب الاعمال* در ضمن دعایی از امام باقر علیه السلام به خداوند متعال از شر فتنه دجال پناه برده شده است. متن دعا چنین است:

عَنْ عَمْرِو بْنِ تَابِتٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: مَنْ قَرَأَ وَ أَكْثَرَ مِنْ قِرَاءَةِ الْقَارِعَةِ آمَنَهُ اللَّهُ

عَزَّوَجَلَّ مِنْ فِتْنَةِ الدَّجَالِ أَنْ يُؤْمِنَ بِهِ وَمِنْ فَيْحِ جَهَنَّمَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ (صدوق، ۱۴۰۶: ۱۲۵)؛
امام باقر علیه السلام فرمود: کسی که زیاد سوره قارعه را بخواند، خداوند عزوجل از فتنه دجال؛ به
این که به او ایمان بیاورد، حفظ می‌کند و [نیز] از چرک و خون دوزخ مصون بدارد.

با این وجود، علمای شیعی در کتب خود تعبیر «فتنه دجال» را زیاد به کار برده‌اند.^۱ البته در
روایات اهل سنت تعبیر «فتنه دجال» وجود دارد.

برخی روایات موجود در منابع شیعی بدین قرار است:

عن امیرالمؤمنین علیه السلام قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: عشر قبل الساعة لابد منها: السفیانی، و
الدجال، و الدخان، و الدابة، و خروج القائم، و طلوع الشمس من مغربها، و نزول عیسی،
و خسف بالمشرق، و خسف بجزیره العرب، و نار تخرج من قعر عدن تسوق الناس إلى
المحشر (طوسی، ۱۴۲۵: ۴۳۶)؛

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: ده علامت است که پیش از قیامت باید پدید
آید: سفیانی، دجال، دخان، دابة الارض، قیام قائم، طلوع آفتاب از مغرب، فرود آمدن
عیسی از آسمان، فرو رفتن زمین در شرق؛ فرو رفتن زمین در جزیره العرب و آتشی که در
قلب شهر عدن بیرون می‌آید و مردم را به محشر سوق می‌دهد. (دوانی، ۱۳۷۸: ۹۸۴)

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مَنْ أَبْغَضَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ بَعَثَهُ اللَّهُ يَهُودِيًّا قَيْلَ يَا
رَسُولَ اللَّهِ وَإِنْ شَهِدَ الشَّهَادَتَيْنِ قَالَ نَعَمْ إِنَّمَا احْتَجَبَ مَهَاتَيْنِ الْكَلِمَتَيْنِ عَنْ سَفْكِ دَمِهِ أَوْ
يُودِي الْجَزِيَّةِ وَهُوَ صَاغِرٌ قَالَ مَنْ أَبْغَضَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ بَعَثَهُ اللَّهُ يَهُودِيًّا قَيْلَ وَكَيْفَ يَا
رَسُولَ اللَّهِ قَالَ إِنْ أَدْرَكَ الدَّجَالُ أَمَنَ بِهِ (البرقي، بی تا: ۹۰)؛

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود هر که ما خاندان را دشمن دارد خدا روز قیامت او را یهودی محشور
کند عرض شد یا رسول الله و اگر چه شهادتین گوید؟ فرمود آری باین دو کلمه خونش را
حفظ کرده و از ادای جزیه بخواری معاف شده سپس فرمود هر که ما خاندان را دشمن
دارد خدا او را یهودی محشور کند عرض شد چگونه یا رسول الله؟ فرمود اگر دجال را در یابد
به او ایمان آرد. (کمره‌ای، ۱۳۷۶: ۵۸۵)

این روایت ظهور دارد که فتنه دجال فتنه‌ای اعتقادی است؛ زیرا اولاً پیامبر طرفدارانش را در
زمره یک دین برمی‌شمارد، دینی که از نظر اسلام پیروانش دچار انحراف عقیدتی شده‌اند یعنی
دین یهود و در قرآن هم در آیات مختلف به انحرافات عقیدتی پیروان این دین اشاره شده
است. ثانیاً تعبیر «أَمَنَ بِهِ» نشان می‌دهد که مسئله اصلی در مورد دجال بحث ایمان است و او

۱. به عنوان نمونه ر. ک نوری، ج ۱، ۲۴۱، ۲ و ج ۲، ۸۰۸: نه‌اوندی، ج ۳، ۱۱۰: طبسی، ج ۲، ۳۶۹.

ایمان مسلمانان را هدف قرار می‌دهد.

رَوَى الشَّيْخُ أَحْمَدُ بْنُ فَهْدٍ فِي كِتَابِ الْمُهَذَّبِ وَغَيْرِهِ فِي غَيْرِهِ بِأَسَانِيدِهِمْ عَنِ الْمُعَلَّى بْنِ خُنَيْسٍ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ يَوْمُ النَّبَرِ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي يَظْهَرُ فِيهِ قَائِمُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَوَلَاةُ الْأَمْرِ وَيُظْفَرُ اللَّهُ تَعَالَى بِالذَّجَالِ فَيَصْلِبُهُ عَلَى كُنَاسَةِ الْكُوفَةِ (مجلسی، بی تا: ۲۷۶)؛

شیخ احمد بن فهد حلی در کتاب «المهذب» و غیر آن به سندهای خود از معلی بن خنیس از حضرت صادق عليه السلام روایت کرده که فرمود: نوروز روزی است که قائم ما اهل بیت و صاحبان امر ولایت، در آن روز ظاهر می‌شود و خداوند او را بر دجال پیروز می‌گرداند، و او را در مزبله کوفه به دار می‌آویزد. (دوانی، ۱۳۷۸: ۱۰۶۲)

در این روایت از طرفی به روز ظهور اشاره شده و از طرف دیگر در ادامه تعبیر «فَيَصْلِبُهُ عَلَى كُنَاسَةِ الْكُوفَةِ» آمده است. با توجه به این قرائن از این روایت به دست می‌آید که دجال توسط امام زمان از بین می‌رود، پس فتنه دجال تا زمان ظهور ادامه دارد و بعد از ظهور ریشه کن می‌شود.

این روایت و روایاتی که از طرق اهل سنت نقل شده بیشتر ظهور در این دارد که فتنه دجال یک فتنه اعتقادی است، اما از آنجایی که در کنار این نوع فتنه، با ظهور دجال ابتلائات مختلفی به مردم می‌رسد و از طرف دیگر هم در روایات و هم در کلمات علما به صورت مستقل به دجال پرداخته شده و به خاطر اهمیت موضوع، این فتنه به صورت مستقل بیان شده است. کلام مرحوم محدث نوری در تبیین بحث دجال هم مؤید همین معناست:

و حکمت بقای دجال که در وجودش جز فتنه و فساد چیزی نیست، ابتلا و امتحان خداوندی است مرخلاق را، تا ظاهر شود مطیع ایشان از عاصی و محسن از مسیء و مصلح از مفسد. (نوری، ۱۳۸۴: ۸۰۹)

۳. فتنه اختلاف در شیعیان

برخی روایات از وجود اختلاف میان شیعه تا ظهور حضرت حجت عليه السلام خبر می‌دهد. از ظاهر این روایات به دست می‌آید که این اختلاف شدید و نوعی آزمایش برای مؤمنین است. در ادامه برخی روایات مربوط به این فتنه بیان می‌شود:

أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدٍ قَالَ حَدَّثَنَا الْقَاسِمُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ حَازِمٍ قَالَ حَدَّثَنَا عُبَيْدُ بْنُ هِشَامٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ مَسْكِينِ الرَّحَالِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي الْمُغِيرَةِ عَنْ عَمِيرَةَ بِنْتِ ثَقَيْلٍ قَالَتْ سَمِعْتُ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ عليه السلام يَقُولُ لَا يَكُونُ الْأَمْرُ الَّذِي

تَنْتَظِرُونَهُ حَتَّى يَبْرَأَ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ وَ يَتَّفُلُ بَعْضُكُمْ فِي وُجُوهِ بَعْضٍ وَيَشْهَدُ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ بِالْكَفْرِ وَيَلْعَنُ بَعْضُكُمْ بَعْضاً فَقُلْتُ لَهُ مَا فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ مِنْ خَيْرٍ فَقَالَ الْحُسَيْنُ عليه السلام الْحَيْرُ كُلُّهُ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ يَقُومُ قَائِمُنَا وَيَدْفَعُ ذَلِكَ كُلَّهُ (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۰۵ و ۲۰۶؛ طوسی، ۱۴۲۵: ۴۳۸)؛

عمیره دختر نفیل گفت: شنیدم حسین بن علی علیه السلام می فرمود: کاری که شما به انتظارش هستید نخواهد شد تا آن که شما از یک دیگر بیزاری جوئید و یکی بر رخ دیگری آب دهن بیندازد و بعضی گواهی بر کفر دیگری دهد و یکی آن دیگر را لعن کند. عرض کردم: در چنین دوران خیری وجود ندارد؟ حسین علیه السلام فرمود: همه خیر در آن روزگار است که قائم ما قیام می کند و همه اینها را از میان برمی دارد. (فهری، ۱۳۶۲: ۲۴۱ و ۲۴۲)

تعبیر «لَا يَكُونُ الْأَمْرُ الَّذِي تَنْتَظِرُونَهُ حَتَّى يَبْرَأَ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ...» و «... فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ يَقُومُ قَائِمُنَا وَ يَدْفَعُ ذَلِكَ كُلَّهُ» ظهور در این دارد که این فتنه در زمان غیبت شکل می گیرد و تا زمان ظهور ادامه می یابد و پس از ظهور توسط امام زمان از میان می رود.

نکته جالب این روایت این است که چنین دوران پر آشوبی همه خیر دانسته شده است. البته در این روایت و نظایر آن در مورد چرایی این اختلافات شدید نکته ای بیان نشده است.

أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ قَالَ أَخْبَرَنَا عَبِيدُ اللَّهِ بْنُ مُوسَى الْعَلَوِيُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ بَعْضِ رِجَالِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: لَا يَكُونُ ذَلِكَ الْأَمْرُ حَتَّى يَتَّفُلُ بَعْضُكُمْ فِي وُجُوهِ بَعْضٍ وَ حَتَّى يَلْعَنَ بَعْضُكُمْ بَعْضاً وَ حَتَّى يُسَمِّيَ بَعْضُكُمْ بَعْضاً كَذَابِينَ (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۰۶)؛

امام صادق علیه السلام فرمود: این کار نخواهد شد تا آن گاه که بعضی از شما بر رخ بعضی دیگر تف کند، و تا آن گاه که بعضی از شما بعضی دیگر را لعن کند، و تا آن گاه که بعضی از شما بعضی دیگر را دروغگویان و دروغ پردازان بنامند. (فهری، ۱۳۶۲: ۲۴۲)

وَ أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ السَّيْمِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدٌ وَ أَحْمَدُ ابْنَا الْحَسَنِ عَنْ أَبِيهِمَا عَنْ ثَعْلَبَةَ بْنِ مَيْمُونٍ عَنْ أَبِي كَهْمَسٍ عَنْ عِمْرَانَ بْنِ مَيْمٍ عَنْ مَالِكِ بْنِ ضَمْرَةَ قَالَ قَالَ امِيرَالْمُؤْمِنِينَ عليه السلام يَا مَالِكُ بِنَ ضَمْرَةَ كَيْفَ أَنْتَ إِذَا اخْتَلَفَتِ الشَّيْعَةُ هَكَذَا وَ شَبَّكَ أَصَابِعَهُ وَ أَدْخَلَ بَعْضَهَا فِي بَعْضٍ فَقُلْتُ يَا امِيرَالْمُؤْمِنِينَ مَا عِنْدَ ذَلِكَ مِنْ خَيْرٍ قَالَ الْحَيْرُ كُلُّهُ عِنْدَ ذَلِكَ يَا مَالِكُ عِنْدَ ذَلِكَ يَقُومُ قَائِمُنَا فَيَقْدِمُ سَبْعِينَ رَجُلًا يَكْذِبُونَ عَلَى اللَّهِ وَ عَلَى رَسُولِهِ عليه السلام فَيَقْتُلُهُمْ ثُمَّ يَجْمَعُهُمُ اللَّهُ عَلَى أَمْرٍ وَاحِدٍ (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۰۶)؛

از مالک بن ضمیره روایت شده که گفت: امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «ای مالک ابن ضمیره چگونه خواهی بود وقتی که شیعیان این چنین اختلاف کنند - و انگشتان خویش را در هم

نموده بعضی را در میان بعضی دیگر فرو برد - پس عرض کردم: ای امیرالمؤمنین در چنان حال اثری از خیر نخواهد بود، آن حضرت فرمود: تمامی خیر در آن هنگام است. ای مالک بن ضمیره! بدان هنگام قائم ما به پا خواهد خاست و هفتاد مرد را که بر خدا و رسول او صلی الله علیه و آله دروغ می‌بندند پیش می‌کشد (فرا می‌خواند) و آنان را می‌کشد سپس خداوند ایشان را جملگی بر امری واحد گرد می‌آورد (متفق می‌سازد).

صاحب کتاب *عصر الظهور* درباره این روایت می‌نویسد:

و تذكروا الروایة... أنه یقتل سبعین رجلاً هم أصل الفتنة و الإختلاف داخل الشيعة، و یبدو أنهم من علماء السوء المضلین و الزعماء المنافقین؛
روایت بیان می‌کند که... هفتاد نفر که ریشه فتنه و اختلاف داخل شیعه هستند کشته می‌شوند و از آن روشن می‌شود که آنها علمای سوء گمراه‌کننده و حاکمان منافق هستند.

دروغ بستن به خدا و پیامبرش مربوط به بدعت در دین است و کسی می‌تواند بدعت وارد در دین نماید که خود عالم به دین باشد یا قدرت داشته باشد که علمای منحرف را به کار گیرد، پس از عبارت «يَكْذِبُونَ عَلَى اللَّهِ وَ عَلَى رَسُولِهِ» آن چه این نویسنده برداشت نموده قابل استفاده است.

در روایتی اختلاف مربوط به همه مردم و نه فقط شیعیان دانسته شده است. متن این روایت چنین است:

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا عَنْ يُونُسَ بْنِ كَلْبٍ عَنِ ابْنِ الْبَطَّائِيِّ عَنِ ابْنِ حُمَيْدٍ عَنِ الثُّمَالِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ يَقُولُ... لَا يَقُومُ الْقَائِمُ ﷺ إِلَّا عَلَى خَوْفٍ شَدِيدٍ وَ زَلْزَلٍ وَ فِتْنَةٍ وَ بَلَاءٍ يُصِيبُ النَّاسَ وَ طَاعُونَ قَبْلَ ذَلِكَ وَ سَيِّفٍ قَاطِعٍ بَيْنَ الْعَرَبِ وَ اخْتِلَافٍ شَدِيدٍ بَيْنَ النَّاسِ (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۳۵)؛

ابوحمزه ثمالی گفت که شنیدم که امام باقر علیه السلام می‌فرمود: ... قائم قیام نمی‌کند مگر در دوره ترس و وحشت، و زمین‌لرزه‌ها و گرفتاری و بلائی که گریبانگیر مردم می‌گردد و پیش از این وقایع، طاعون شیوع می‌یابد و دوره‌ای که در میان عرب شمشیری بران و بین مردم اختلافی سخت و پراکندگی و چنددستگی در دینشان پدید آمده باشد.

۱۲۳

می‌توان روایات قبلی را مقید اطلاق این روایت دانست؛ یعنی مراد از این روایت هم همان اختلاف میان شیعه است و با حمل مطلق با مقید میان مدلول این روایت با روایات قبلی جمع نمود. همچنین می‌توان گفت دو نوع اختلاف وجود دارد یکی اختلاف میان شیعیان که از منظر روایات دارای اهمیت بیشتری است و در روایات بیشتری مورد اشاره قرار گرفته و دیگر اختلاف

میان همه مردم که در این روایت اشاره شده است. در این روایات به صراحت بروز این اختلافات تا زمان ظهور دانسته شده است و حتی در برخی روایات آمده بود که این اختلافات به دست حضرت و پس از ظهور ایشان حل و فصل خواهد شد.

فتنه‌های خاص

همان‌گونه که ابتدای مقاله بیان شد، فتنه‌هایی وجود دارد که در آستانه ظهور آغاز می‌شود و بعد از ظهور ادامه می‌یابد و در نهایت به دست حضرت حجت از بین می‌رود.

۱. فتنه سفیانی

یکی از فتنه‌های مهم که در روایات متعدد بیان شده است، بحث جنگ‌ها و خرابی‌هایی است که توسط لشکر سفیانی انجام می‌شود. البته در مورد سفیانی تحقیقات مفصلی انجام یافته و بنای این تحقیق ورود به مباحث مختلف آن نیست. اما چند نکته در مورد او وجود دارد؛ اول این که قیام سفیانی از علائم حتمی به شمار می‌آید که حتماً به وقوع می‌پیوندد. روایات متعددی به این امر اذعان نموده‌اند. از جمله می‌توان به روایت زیر اشاره نمود:

أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدٍ بْنِ عَقْدَةَ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْمُفَضَّلِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ قَيْسِ بْنِ رُمَّانَةَ مِنْ كِتَابِهِ فِي رَجَبِ سَنَةِ خَمْسٍ وَسِتِّينَ وَ مِائَتَيْنِ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ فَضَّالٍ قَالَ حَدَّثَنَا ثَعْلَبَةُ بْنُ مَيْمُونٍ أَبُو إِسْحَاقَ عَنْ عَيْسَى بْنِ أَعْيَنَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: السُّفْيَانِيُّ مِنَ الْمُخْتَوِمِ وَ خُرُوجُهُ فِي رَجَبٍ ... (نعمانی، ۱۳۹۷: ۳۰۰).^۱

امام صادق عليه السلام فرمود: سفیانی از امور قطعی است و خروجش در ماه رجب است. نکته دوم این است که قیام سفیانی بسیار نزدیک به ظهور است و فتنه‌هایی که او به وجود می‌آورد در آستانه ظهور شکل می‌گیرد و پس از ظهور هم ادامه می‌یابد. به عنوان نمونه به یک روایت در این باره اشاره می‌شود:

از امام باقر عليه السلام نقل شده است که فرمودند:

لَا يَكُونُ مَا تَرْجُونَ حَتَّى يَخْطُبَ السُّفْيَانِيُّ عَلَى أَعْوَادِهَا فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ انْخَدَرَ عَلَيْكُمْ قَائِمٌ

۱. نعمانی در همین قسمت روایات دیگری نیز به این مضمون بیان نموده است.

أَلِ مُحَمَّدٍ مِنْ قَبْلِ الْحِجَازِ (مسعودی، ۱۳۸۴: ۲۶۷)؛^۱

آن چه انتظارش را می کشید، رخ نخواهد داد تا این که سفیانی بر منبر خطبه بخواند. وقتی چنین شد قائم آل محمد علیه السلام از سمت حجاز با شتاب به سوی شما می آید.

نکته سوم در مورد سفیانی همان فتنه‌هایی است که به خاطر قیام وی شکل می‌گیرد. این فتنه‌ها بیشتر مربوط به خرابی‌ها و جنگ‌های وی است. در اینجا تنها به ذکر دو روایت از منابع شیعی در این مورد بیان می‌شود:

أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ هَؤُلَاءِ الرِّجَالِ الْأَرْبَعَةِ عَنِ ابْنِ مُحَبُّوبٍ وَأَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ الْكَلْبِيِّ أَبُو جَعْفَرٍ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ وَحَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عِمْرَانَ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى. قَالَ وَحَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ وَغَيْرُهُ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ جَمِيعاً عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَبُّوبٍ قَالَ وَحَدَّثَنَا عَبْدُ الْوَّاحِدِ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْمُوصِلِيُّ عَنْ أَبِي عَلِيٍّ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَاشِرٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ هِلَالٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَبُّوبٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمَقْدَامِ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الْجُعْفِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْبَاقِرُ عليه السلام يَا جَابِرُ الزَّمِ الْأَرْضَ وَلَا تُحْرِكْ يَدَا وَلَا رِجْلًا حَتَّى تَرَى عَلَامَاتٍ أَذْكُرُهَا لَكَ إِنْ أَذْرَكَتَهَا أَوْهَا اخْتِلَافُ بَنِي الْعَبَّاسِ وَمَا أَرَاكَ تُذَكِّرُ ذَلِكَ وَلَكِنْ حَدَّثَ بِهِ مَنْ بَعْدِي عَنِّي وَمُنَادٍ يُنَادِي مِنَ السَّمَاءِ وَيَجِيسُكُمْ الصَّوْتُ مِنْ نَاحِيَةِ دِمَشْقٍ بِالْفَتْحِ وَ تُحْسَفُ قَرْيَةٌ مِنْ قُرَى الشَّامِ تُسَمَّى الْجَابِيَّةَ وَتَسْقُطُ طَائِفَةٌ مِنْ مَسْجِدِ دِمَشْقٍ الْأَيْمَنِ وَ مَارِقَةٌ تَمْرُوقُ مِنْ نَاحِيَةِ الشَّرْكِ وَيَعْقُمُهَا هَنْجُ الرُّومِ وَ سَيُقْبَلُ إِخْوَانُ الشَّرْكِ حَتَّى يَنْزِلُوا الْجَزِيرَةَ وَ سَيُقْبَلُ مَارِقَةُ الرُّومِ حَتَّى يَنْزِلُوا الرَّمْلَةَ فَتِلْكَ السَّنَةُ يَا جَابِرُ فِيهَا اخْتِلَافٌ كَثِيرٌ فِي كُلِّ أَرْضٍ مِنْ نَاحِيَةِ الْمَغْرِبِ فَأَوَّلُ أَرْضٍ تَحْرَبُ أَرْضُ الشَّامِ ثُمَّ يَخْتَلِفُونَ عِنْدَ ذَلِكَ عَلَى ثَلَاثِ رَايَاتٍ رَايَةَ الْأَضْهَبِ وَ رَايَةَ الْأَبْقَعِ وَ رَايَةَ الشُّفْيَانِيِّ فَيَلْتَقِي الشُّفْيَانِيُّ بِالْأَبْقَعِ فَيَقْتُلُونَ فَيَقْتُلُهُ الشُّفْيَانِيُّ وَ مَنْ تَبِعَهُ ثُمَّ يَقْتُلُ الْأَضْهَبَ ثُمَّ لَا يَكُونُ لَهُ هِمَّةٌ إِلَّا الْإِفْبَالُ حَتَّى يَمُرَّ بِعِرَاقٍ يَمُرُّ بِجَيْشِهِ بِقَرْيَسِيَاءَ فَيَقْتُلُونَ بِهَا فَيَقْتُلُ بِهَا مِنَ الْجَبَّارِينَ مِائَةَ أَلْفٍ وَ يَبْعَثُ الشُّفْيَانِيُّ جَيْشاً إِلَى الْكُوفَةِ وَ عَدَتْهُمْ سَبْعُونَ أَلْفاً فَيُصِيبُونَ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ قَتْلًا وَ ضَلْبًا وَ سَبِيًّا فَيَبِينَا هُمْ كَذَلِكَ إِذْ أَقْبَلَتْ رَايَاتُ مِنْ قَبْلِ خُرَاسَانَ وَ تَطْوَى الْمَنَازِلَ طَيِّباً حَتِيثاً وَ مَعَهُمْ نَفَرٌ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ ثُمَّ يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ مَوَالِي أَهْلِ الْكُوفَةِ فِي ضِعْفَاءَ فَيَقْتُلُهُ أَمِيرُ جَيْشِ الشُّفْيَانِيِّ بَيْنَ الْحَيْرَةِ وَ الْكُوفَةِ وَ يَبْعَثُ الشُّفْيَانِيُّ بَعْثاً إِلَى الْمَدِينَةِ فَيَنْفِرُ الْمُهَدِيُّ مِنْهَا إِلَى مَكَّةَ فَيَبْلُغُ أَمِيرَ جَيْشِ الشُّفْيَانِيِّ أَنَّ الْمُهَدِيَّ قَدْ خَرَجَ إِلَى مَكَّةَ فَيَبْعَثُ جَيْشاً عَلَى أَثَرِهِ فَلَا يَدْرِكُهُ حَتَّى يَدْخُلَ مَكَّةَ خَائِفاً يَتَرَفَّبُ عَلَى سُنَّةِ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عليه السلام قَالَ

۱. برای بررسی روایات در این باره رک ابّتی، نصرت الله، سفیانی از ظهور تا افول، ص ۶۶ - ۶۹

فَيَنْزِلُ أَمِيرُ جَيْشِ السُّفْيَانِيِّ الْبَيْدَاءَ فَيُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ يَا بَيْدَاءُ أَيْدِي الْقَوْمِ فَيُخَسِفُ بِهِمْ فَلَا يُفْلِتُ مِنْهُمْ إِلَّا ثَلَاثَةٌ نَفَرٌ يُحَوِّلُ اللَّهُ وُجُوهَهُمْ إِلَى أَقْفَيْتِهِمْ وَهُمْ مِنْ كَلْبٍ... (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۷۹ و ۲۸۰)؛

جابر بن یزید جعفی گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: ای جابر، بر زمین بنشین (خانه نشین باش) و دست و پائی نجیبان (فعالیتهای نکن) تا نشانه‌هایی را که برایت یاد می‌کنم ببینی چنانچه بدان برسی: نخستین آنها اختلاف بنی عباس است و من در تو نمی‌بینم که آن را دریایی ولی پس از من آن را از من روایت کن، و آواز دهنده‌ای از آسمان ندا کند و شما را آوازی از جانب دمشق به فتح برسد، و قریه‌ای از آبادی‌های شام به نام جابیه فرورود، بخشی از قسمت راست مسجد دمشق فرو ریزد، و گروهی مارقه (که شورشیانی گمراه و بدعت‌گزار و گول خورده) از ناحیه ترک خروج کنند، و اغتشاش و بی‌قانونی روم به دنبال آن باشد، و طایفه ترک روی آورند تا آن‌که در جزیره فرود آیند، و نیز شورشیان از روم روی آورند تا در رمله فرود آیند، پس در آن سال ای جابر در هر سرزمینی از ناحیه مغرب اختلاف فراوانی پدید آید، پس نخستین سرزمینی که ویران می‌شود سرزمین شام باشد، سپس در آن هنگام اختلاف آنان بر سه پرچم باشد: پرچم اصبه و پرچم ابقع و پرچم سفیانی، پس سفیانی با ابقع برخورد کند و به جنگ پردازند، و سفیانی او و هر کس را که از او پیروی می‌کند خواهد کشت، سپس اصبه را می‌کشد، و بعد دیگر همتی به کار نخواهد بست مگر روی آوردن به سوی عراق، و سپاهیانش به قرقیسیا گذر کنند و در آنجا به جنگ پردازند و صد هزار تن از ستمکاران در آنجا کشته شوند، و سفیانی سپاهی به کوفه گسیل دارد که هفتاد هزار نفر شمار ایشان باشد پس ایشان مردم کوفه را بکشند و به دار آویزند و اسیر کنند، در کشاکشی این چنین که بر ایشان واقع شده، ناگاه پرچم‌هایی از جانب خراسان پدیدار شود و پرچمداران منزل‌ها را با سرعت بسیار بپیمایند و با آنان چند تن از اصحاب قائم همراه باشند سپس مردی از موالی (غیر بومی) اهل کوفه با جمعی ناتوان خروج کند، فرمانده سپاه سفیان میان حیره و کوفه او را به قتل رساند و سفیانی گروهی را به مدینه روانه کند و مهدی از آنجا به مکه رهسپار شود و خبر به فرمانده سپاه سفیانی رسد که مهدی به جانب مکه بیرون شده است، پس او لشکری از پی او روانه کند ولی او را نیابد تا این‌که مهدی با حالت ترس و نگرانی بدان سنت که موسی بن عمران داشت داخل مکه شود. آن حضرت فرمود: فرمانده سپاه سفیانی در صحرا فرود می‌آید، پس آواز دهنده‌ای از آسمان ندا می‌کند که «ای دشت، آن قوم را نابود ساز» پس دشت نیز ایشان را به درون خود می‌برد و هیچ یک از آنان نجات نمی‌یابد مگر سه نفر که خداوند رویشان را به پشت آنان بر می‌گرداند و ایشان از قبیله کلب هستند... (غفاری، ۱۳۷۶: ۳۹۲)

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادٍ بْنُ جَعْفَرِ الْهَمْدَانِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَثْمَانَ عَنْ عَمْرِو بْنِ يَزِيدٍ

قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقُ عليه السلام إِنَّكَ لَوَرَأَيْتَ السُّفْيَانِي لَرَأَيْتَ أَحَبَّتَ النَّاسِ أَشَقَّرَ أَحْمَرَ أَرْزَقَ يَقُولُ يَا رَبِّ تَأْرِي تَأْرِي ثُمَّ النَّارُ وَقَدْ بَلَغَ مِنْ خُبَيْهِ أَنَّهُ يَدْفِنُ أُمَّمٌ وَلَدٍ لَهُ وَهِيَ حَيَّةٌ مَخَافَةٌ أَنْ تَدُلَّ عَلَيْهِ (صدوق، ۱۳۵۹: ۶۵۱)؛

عمر بن یزید گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: [به درستیکه تو اگر سفیانی را ببینی، همانا خواهی دید:] سفیانی خبیث‌ترین مردم و کبود و سرخ و ارزق است، می‌گوید: خدایا خون من، خون من سپس می‌گوید: آتش! و از خباثنش آن است که کنیزی را که از او صاحب فرزند است زنده زنده در گور می‌کند از ترس آن‌که مبادا مکانش را نشان بدهد. (پهلوان، ۱۳۸۰: ۵۵۷)

از مجموع روایات مربوط به سفیانی به دست می‌آید که فتنه او که باعث جنگ‌ها و خرابی‌ها و خونریزی‌های فراوان می‌شود، از فتنه‌های نزدیک به ظهور و در آستانه ظهور است که پس از ظهور حضرت حجت به دست خود ایشان از بین می‌رود.

۲. فتنه صیحه شیطانی

در برخی روایات آمده است که قبل از ظهور حضرت صیحه‌هایی از آسمان به گوش مردم می‌رسد، که یکی از آن صداها مربوط به شیطان است تا مردم را دچار شک و فتنه نماید. یکی از این روایات را نعمانی نقل نموده است. متن روایت وی چنین است:

أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ أَبُو الْحَسَنِ الْجُعْفِيُّ مِنْ كِتَابِهِ قَالَ حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ مِهْرَانَ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِيهِ وَوَهَيْبِ بْنِ حَفْصِ بْنِ حَفْصِ بْنِ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: إِذَا رَأَيْتُمْ نَارًا مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ شَبَهَ الْمُهْرَدِيِّ الْعَظِيمِ تَطْلُعُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ أَوْ سَبْعَةَ فَتَوَقَّعُوا فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام إِنْ شَاءَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ - إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ثُمَّ قَالَ الصَّيْحَةُ لَا تَكُونُ إِلَّا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ لِأَنَّ شَهْرَ رَمَضَانَ شَهْرُ اللَّهِ وَالصَّيْحَةُ فِيهِ هِيَ صَيْحَةُ جَبْرَائِيلَ عليه السلام إِلَى هَذَا الْخَلْقِ ثُمَّ قَالَ يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ بِاسْمِ الْقَائِمِ عليه السلام فَيَسْمَعُ مِنَ الْمَشْرِقِ وَمَنْ بِالْمَغْرِبِ لَا يَبْقَى رَافِدٌ إِلَّا اسْتَيْقَظَ وَلَا قَائِمٌ إِلَّا قَعَدَ وَلَا قَاعِدٌ إِلَّا قَامَ عَلَى رِجْلَيْهِ فَرَعَا مِنْ ذَلِكَ الصَّوْتِ فَرَحِمَ اللَّهُ مَنْ اعْتَبَرَ بِذَلِكَ الصَّوْتِ فَأَجَابَ فَإِنَّ الصَّوْتِ الْأَوَّلَ هُوَ صَوْتُ جَبْرَائِيلَ الرُّوحِ الْأَمِينِ عليه السلام ثُمَّ قَالَ عليه السلام يَكُونُ الصَّوْتُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فِي لَيْلَةِ جُمُعَةٍ لَيْلَةَ ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ فَلَا تَشْكُوا فِي ذَلِكَ وَاسْمَعُوا وَأَطِيعُوا وَفِي آخِرِ النَّهَارِ صَوْتُ الْمُتَلْعُونِ إِنْ لَيْسَ يُنَادِي إِلَّا إِنَّ فَلَانًا قُتِلَ مَطْلُومًا لِيُشَكَّكَ النَّاسُ وَيَفْتَنَهُمْ فَكَمْ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ مِنْ شَاكٍ مُتَحَيِّرٍ قَدْ هَوَى فِي النَّارِ فَإِذَا سَمِعْتُمْ الصَّوْتِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَلَا تَشْكُوا فِيهِ أَنَّهُ صَوْتُ جَبْرَائِيلَ وَعَلَامَةُ ذَلِكَ أَنَّهُ يُنَادِي بِاسْمِ الْقَائِمِ وَاسْمِ أَبِيهِ حَتَّى تَسْمَعَهُ الْعَذْرَاءُ فِي خَدْرِهَا فَتَحْرِصُ

أَبَاهَا وَ أَحَاهَا عَلَى الْخُرُوجِ وَقَالَ لَا بُدَّ مِنْ هَذَيْنِ الصَّوْتَيْنِ قَبْلَ خُرُوجِ الْقَائِمِ ﷺ صَوْتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَهُوَ صَوْتُ جِبْرِئِيلَ بِاسْمِ صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ وَاسْمِ أَبِيهِ وَ الصَّوْتِ الثَّانِي مِنَ الْأَرْضِ وَهُوَ صَوْتُ إِبْلِيسَ اللَّعِينِ يُنَادِي بِاسْمِ فَلَانٍ أَنَّهُ قُتِلَ مَظْلُومًا يُرِيدُ بِدَلِكِ الْفِتْنَةَ فَاتَّبِعُوا الصَّوْتِ الْأَوَّلَ وَ إِيَّاكُمْ وَ الْأَخِيرَ أَنْ تُفْتَنُوا بِهِ وَقَالَ ﷺ لَا يَقُومُ الْقَائِمُ ﷺ إِلَّا عَلَى خَوْفٍ سَدِيدٍ [سَدِيدٍ] مِنَ النَّاسِ وَ زَلْزَلٍ وَ فِتْنَةٍ وَ بَلَاءٍ يُصِيبُ النَّاسَ وَ طَاعُونَ قَبْلَ ذَلِكَ وَ سَيْفٍ قَاطِعٍ بَيْنَ الْعَرَبِ وَ اخْتِلَافٍ شَدِيدٍ فِي النَّاسِ وَ تَشْتَتٍ فِي دِيَارِهِمْ وَ تَعْيِيرٍ مِنْ حَالِهِمْ حَتَّى يَتَمَنَّى الْمُتَمَنَّى الْمَوْتَ صَبَاحاً وَ مَسَاءً مِنْ عَظَمِ مَا يَرَى مِنْ كَلْبِ النَّاسِ وَ أَكَلِ بَعْضِهِمْ بَعْضاً فَخُرُوجُهُ إِذَا خَرَجَ عِنْدَ الْيَأْسِ وَ الْقُنُوطِ مِنْ أَنْ يَرَوْا فَرَجاً فَيَأْتِي طُوبَى لِمَنْ أذْرَكَهُ وَ كَانَ مِنْ أَنْصَارِهِ وَ الْوَيْلُ كُلُّ الْوَيْلِ لِمَنْ نَاوَاهُ وَ خَالَفَهُ وَ خَالَفَ أَمْرَهُ وَ كَانَ مِنْ أَعْدَائِهِ ... (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۵۳-۲۵۷)؛

ابو بصیر از امام باقر علیه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود: هنگامی که آتشی را شبیه هردی - رنگ زرد و سرخ - بسیار بزرگ مشاهده کردید که از [جانب] مشرق سه روز یا هفته‌ای سر زده است، پس چشم به راه فرج آل محمد علیهم السلام داشته باشید ان شاء الله عزوجل که خداوند عزیز و حکیم است، سپس فرمود: آن صیحه جز در ماه رمضان بر نخواهد خاست [زیرا ماه رمضان] ماه خدا است، [و آن صیحه که در آن است] همان آوای بس بلند جبرئیل علیه السلام بدین مردمان است، بعد فرمود: نداکننده‌ای از آسمان به نام حضرت قائم علیه السلام ندا سر می‌دهد و هر که در مشرق و مغرب است می‌شنود، هیچ خفته‌ای نمی‌ماند مگر این که بیدار می‌گردد، و هیچ ایستاده‌ای نمی‌ماند مگر این که می‌نشیند، و هیچ نشسته‌ای نمی‌ماند مگر این که از وحشت آن صدا بردو پای خویش بر می‌خیزد، پس خداوند هر که را بدان آوا عبرت پذیرد و پاسخ گوید مورد رحمت قرار دهد که آن صدای نخستین آوای جبرئیل روح‌الأمین علیه السلام است. سپس فرمود: آن صدا در ماه رمضان در شب جمعه شب بیست و سوم است، پس در آن تردید نکنید، بشنوید و اطاعت کنید، و در پایان روز آواز ابلیس ملعون است که ندا در می‌دهد: بدانید که فلانی مظلومانه کشته شد، برای این که مردم را دچار شک و گرفتاری سازد. پس بسی افراد شک‌کننده سرگردان در آن روز (پدید آیند) که در آتش سرازیر خواهند شد، پس اگر در ماه رمضان آوازی شنیدید در آن تردید نکنید که صدای جبرئیل است، و نشانه آن این است که او به نام قائم و اسم پدرش ندا سر می‌دهد تا آنجا که دوشیزه در پس پرده خویش آن را بشنود و پدر و برادر خود را بر خروج برانگیزد. و آن حضرت فرمود: ناگزیر و بدون شک قبل از خروج قائم علیه السلام این دو صدا برخواهد خاست: صدائی از آسمان و آن آوای جبرئیل است، [به نام صاحب این امر و نام پدرش]، و صدای دومین از زمین بر می‌خیزد، و آن آوای ابلیس لعین است که ندا می‌کند به نام فلانی که او مظلومانه کشته شد، و مرادش از آن ایجاد فتنه است، پس صدای نخستین را پیروی کنید و بپرهیزید از صدای دوم که بدان دچار گرفتاری شوید. و فرمود: قائم علیه السلام قیام

نمی‌کند مگر در حال ترس سخت مردم و زلزله‌ها و گرفتاری و بلائی که مردم را فرا می‌گیرد و پیش از آن طاعون و شمشیری برنده در میان عرب و اختلاف سخت بین مردم، و پراکندگی در دین‌شان، و پیدایش دگرگونی در وضع‌شان تا جایی که آرزوکننده از شدت آن چه از هاری مردم و دریدن پاره‌ای پاره دیگر را که مشاهده می‌کند، شبانه روز آرزوی موت می‌نماید، و خروج آن حضرت به هنگامی که خروج می‌کند همزمان با یأس و ناامیدی مردم از دیدن فرج است، پس خوشا به حال آن کس که او را درمی‌یابد و از یاوران اوست، وای و وای به تمامی بر آن کس که با او دشمنی ورزد و مخالفت کند و از فرمان او روی گرداند و از دشمنان او باشد. (غفاری، ۱۳۷۶: ۳۵۸)

در مورد روایت فوق چند مطلب قابل اشاره است:

همان‌گونه که در متن روایت هم به آن اشاره شده است: «سپس فرمود: آن صدا در ماه رمضان در شب جمعه شب بیست و سوم است... خروج برانگیزد.» خداوند متعال با بیان روشن و نیکو، قبل وقوع این فتنه موجبات پیشگیری و عدم مفتون شدن مؤمنان را فراهم نموده‌اند و کسانی در این فتنه گرفتار می‌شوند که نسبت به سخنان اهل‌البیت علیهم‌السلام یا ایمان ندارند و یا شک‌کننده و سرگردان هستند.

شاید با وجود رحمت و حکمت الهی، این امر (تمهید زمینه‌های عدم مفتون شدن به فتنه از جانب خداوند) را بتوان به همه فتنه‌های آخرالزمان تسری داد و نتیجه گرفت:

الف) در همه فتنه‌ها دو عامل وجود دارد:

۱. عامل بیرونی که خود فتنه و وجود خارجی آن است؛

۲. عامل درونی که در حقیقت نقاط ضعف و منافذ روحی، اخلاقی، ایمانی، تربیتی و... فرد یا جامعه مفتون و فتنه زده می‌باشد.

ب) چون قبل از فتنه ابلاغ و بیان به درستی انجام شده؛ عاقبت رویگردانان از آیات و روشنگری‌ها و ابتلائات آنان، سخت و کوبنده خواهد بود. «پس صدای نخستین را پیروی کنید و بپرهیزید از صدای دوم که بدان دچار گرفتاری شوید» حال یا توسط بدخواهان و یا توسط سپاهیان خیر و صلاح «هنگامی که آن حضرت خروج کند با امری نوین... تحت تأثیر قرار نمی‌دهد.» «و خروج آن حضرت به هنگامی که خروج می‌کند همزمان با یأس و ناامیدی مردم از دیدن فرج است.»

«فرج در هنگام اوج ناامیدی» که در قرآن کریم^۱ نیز به آن پرداخته شده است؛ ظاهراً از

۱. «أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسْتَهْمِبِينَ وَالصَّالِحِينَ وَزُلُّوا حَتَّى يَقُولَ

حقایقی است که در برخی از ابتلائات با آن مواجه هستیم. از این حقیقت شاید بتوان این استفاده را کرد که در زمان وقوع سخت‌ترین مراحل انواع فتنه‌ها، ابتلائات و ناملایمت‌ها نباید ناامید و تسلیم اراده فتنه‌گران غیر الهی شد. روایت دیگری در این باب آمده است:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيٌّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ عَمِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي الْمُغْرَاءِ عَنِ الْمُعَلِيِّ بْنِ خُنَيْسٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: صَوْتُ جِبْرِئِيلَ مِنَ السَّمَاءِ وَصَوْتُ إِبْلِيسَ مِنَ الْأَرْضِ فَاتَّبِعُوا الصَّوْتِ الْأَوَّلَ وَإِيَّاكُمْ وَالْآخِرَ أَنْ تَفْتَنُوا بِهِ (صدوق، ۱۳۵۹: ۶۵۲)؛

معلی بن خنیس از امام صادق علیه السلام روایت کند که فرمود: ندای جبرئیل از آسمان و ندای ابلیس از زمین، و بر شماسست که از ندای اول پیروی کنید و نه ندای اخیر که به فتنه درآفتد. (پهلوان، ۱۳۸۰: ۵۵۸)

نتیجه‌گیری

در همه فتنه‌ها دو عامل وجود دارد:

(الف) عامل بیرونی که خود فتنه و وجود خارجی آن است.

(ب) عامل درونی که در حقیقت نقاط ضعف و منافذ روحی، اخلاقی، ایمانی، تربیتی و... فرد یا جامعه مفتون و فتنه زده می‌باشد.

با توجه به این امر باید هرچه بیشتر نسبت به فتنه‌های عصر ظهور هوشیار و آگاه بود که دست کم بتوان نسبت به عامل دوم خود و جامعه را واکسینه نمود.

با توجه به اهمیت موضوع ولی متأسفانه در این باره کمتر کار شده است و بررسی زوایای مختلف این بحث نیاز به انجام تحقیق‌های فراوان دارد. علاوه بر این که با توجه به کثرت روایات باید ابتدا همه آنها استقصاء و سپس دسته بندی شوند تا بتوان نگاه جامعی به این مسئله داشت. آن چه در این مقاله انجام شد به عنوان یکی از گام‌های اولیه در این راه تعدادی از روایات را مورد بررسی قرار داد و به انواعی از فتنه دست یافت، اما به یقین تعداد فتنه‌های در آستانه ظهور بیش از این است که در تحقیقات بعدی باید بدان‌ها پرداخته شود.

منابع

- آیتی، نصرت الله، *سفینای از ظهور تا افول*، چاپ اول، ثانی عشر، قم (ایران)، ۱۳۸۴ ه. ش.
- ابن بابویه، محمد بن علی، *ثواب الأعمال و عقاب الأعمال*، چاپ اول، دار الرضی، قم، ۱۴۰۶ ق.
- _____، *امالی*، ترجمه کمره‌ای، چاپ ششم، اسلامیة، تهران، ۱۳۷۶ ه. ش.
- _____، *کمال‌الدین و تمام‌النعمه*، تصحیح و تعلیق: غفاری، علی‌اکبر، چاپ دوم، دارالکتب الإسلامية، تهران، ۱۳۵۹ ه. ش.
- _____، *کمال‌الدین و تمام‌النعمه* (ترجمه پهلوان)، ترجمه: پهلوان، منصور، چاپ اول، موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، قم (ایران)، ۱۳۸۰ ه. ش.
- دوانی، علی، *مهدی موعود* (ترجمه جلد سیزدهم بحار الأنوار)، چاپ بیست و هشتم، دارالکتب اسلامیة، تهران، ۱۳۷۸ ش.
- طبسی، نجم‌الدین، *تا ظهور*، چاپ اول، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، تهران، ۱۳۸۸ ه. ش.
- طوسی، محمد بن حسن، *الغیة للطوسی*، تصحیح: طهرانی، عبادالله، ناصح، علی احمد، چاپ سوم، مؤسسه المعارف الإسلامية، قم (ایران)، ۱۴۲۵ ه. ق.
- _____، *الغیة للطوسی*، ترجمه: عزیزی، مجتبی، چاپ دوم، مسجد مقدس جمکران، قم (ایران)، ۱۳۸۷ ه. ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تصحیح: غفاری، علی‌اکبر، چاپ چهارم، دارالکتب الإسلامية، تهران، ۱۴۰۷ ه. ق.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، *بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الأطهار*، تحقیق: علوی، عبدالزهراء، محمودی، محمدباقر، چاپ اول، دار إحياء التراث العربی، بی‌جا، بی‌تا.
- محمد بن خالد البرقی، احمد، *المحاسن*، تحقیق: الحسینی المحدث، السيد جلال‌الدین، چاپ دوم، دارالکتب الإسلامية، قم (ایران)، بی‌تا.
- مسعودی، علی بن حسین، *إثبات الوصیة*، چاپ سوم، انصاریان، قم (ایران)، ۱۳۸۴ ه. ش.
- نوری، حسین بن محمدتقی، *النجم الثاقب*، تحقیق: برزگر، صادق، چاپ دهم، مسجد مقدس جمکران، قم (ایران)، ۱۳۸۴ ه. ش.

- نعمانی، محمد بن ابراهیم، *الغیبة للنعمانی*، تحقیق: غفاری، علی اکبر، چاپ اول، مکتبة الصدوق، تهران، ۱۳۹۷ ه.ق.
- _____، *اللغیبة للنعمانی*، ترجمه: فهری زنجانی، احمد، چاپ چهارم، دار الکتب الإسلامية، تهران، ۱۳۶۲ ه.ش.
- _____، *اللغیبة للنعمانی*، ترجمه: غفاری، محمدجواد، چاپ دوم، نشر صدوق، تهران، ۱۳۷۶ ه.ش.
- نهاوندی، علی اکبر، *العقیری الحسان*، تحقیق و تصحیح: احمدی قمی، حسین و برزگر، صادق، چاپ اول، مسجد مقدس جمکران، قم (ایران)، ۱۳۸۶ ه.ش.